

سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، صفحات ۱۶۰-۱۳۳

نقش تعدیل‌کننده درآمدهای نفتی بر رابطه درآمدهای مالیاتی و رشد اقتصادی

فاطمه صمدی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

v_varahrami@sbu.ac.ir

در قالب تئوری‌های اقتصاد متعارف، مالیات اصلی‌ترین منبع درآمد دولت‌ها است. مالیات‌ها از ابزارهای سیاست‌های مالی دولت هستند که از مهم‌ترین ارکان هر نظام مالی تلقی می‌شوند. در کشورهای صادرکننده نفت، فروش نفت عمده‌ترین منبع درآمدی دولت به حساب می‌آید. به دلایل مختلف از جمله، نوسان‌های قیمتی نفت و از دست رفتن یک ذخیره ملی با ارزش، این روش قابل تأیید نیست و این مسئله که باید سیستم مالیاتی این کشورها اصلاح گردد تا جایگزین مناسبی برای تأمین مخارج دولت باشد، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر انواع درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی در حالت حضور و عدم حضور درآمدهای نفتی است. مطالعه حاضر بر اساس روش تحقیق کاربردی است. جهت برآورد مدل از داده‌های بازه زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۹ استفاده شده است. روش برآورد در تحقیق حاضر روش حداقل مربعات جزئی است. تخمین مدل در فضای نرم‌افزار Smart PLS صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر این واقعیت است که در صورت عدم حضور متغیر درآمدهای نفتی در مدل، متغیر درآمد مالیات ناشی از ارزش افزوده بیش از سایر مالیات‌ها بر رشد اقتصادی مؤثر است و با ورود متغیر درآمدهای نفتی به مدل اثرات تمامی انواع مالیات بر رشد اقتصادی کاهش یافته و این کاهش در مالیات بر ارزش افزوده محسوس‌تر از سایر مالیات‌ها است.

طبقه‌بندی JEL: E10، E5، Q43، Q41

واژگان کلیدی: نفرین منابع، بیماری هلندی، درآمد مالیاتی، رشد اقتصادی، حداقل مربعات جزئی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۷

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

۱. مقدمه

پدیده نفرین منابع در اصطلاح به اثر مخربی که از محل افزایش قیمت نفت و سایر منابع طبیعی بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع صادرکننده اعمال می‌شود، اطلاق می‌گردد. این پدیده عمدتاً در کشورهای صادرکننده منابع طبیعی مشاهده می‌شود.

یکی از مباحث عمده فرضیه نفرین منابع طبیعی این است که درآمد حاصل از منابع، درآمدهای مالیاتی را به عنوان بنیاد مالی دولت تضعیف می‌کند (راس، ۲۰۰۱، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر، درآمد ناشی از منابع طبیعی بر انگیزه کشورها در تجهیز دیگر منابع داخلی درآمد تأثیر منفی دارد (مور، ۲۰۰۷).

از جمله مشکلاتی که اغلب کشورهای صادرکننده نفت با آن روبه‌رو هستند، این است که کشورهای صادرکننده نفت اغلب بر پایه‌ی اصول یک اقتصاد تک‌محصولی بنا شده‌اند، چراکه:

- در این کشورها درآمد ناشی از نفت سهم بالایی از تولید ناخالص داخلی و بودجه‌های سالانه را به خود اختصاص داده است و وابستگی بودجه این دولت‌ها به درآمدهای نفتی بسیار بالا است.

- بی‌ثباتی ذاتی قیمت این منابع و درآمدهای ناشی از آن. درآمدهای نفتی دارای نوسان زیادی هستند و در غیاب یک پایه گسترده مالیاتی، این نوسانات به بودجه سرایت می‌کند.

- در بعضی از کشورهای دارای منابع طبیعی، درآمد منابع در آینده‌ای نه‌چندان دور تمام خواهند شد و یک پایه مالیاتی وسیع می‌تواند جریان درآمدی را برای حمایت از برنامه‌های بخش عمومی زمانی که منابع طبیعی تمام می‌شوند، تداوم بخشد.

یکی از متداول‌ترین و قابل‌اتکاترین راه‌های تأمین مخارج دولت در هر نظام اقتصادی، جمع‌آوری مالیات است. درآمدهای مالیاتی به دلیل قابل کنترل بودن، در مقایسه با درآمد منابع از اصلی‌ترین منابع درآمدی دولت‌ها به حساب می‌آید. از این رو نقش درآمدهای مالیاتی در بسیاری از کشورها در مقایسه با سایر منابع درآمدی، بیش‌تر است. در این میان در کشورهای توسعه‌یافته، درآمدهای مالیاتی یکی از مهم‌ترین ابزارها در جهت تأمین مالی مخارج دولت است؛ اما در

کشورهای صادرکننده نفت، به دلیل کارا نبودن سیستم مالیاتی نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی پایین است. با توجه به اینکه درآمدهای حاصل از فروش منابع از اجزای اصلی درآمدهای بودجه دولت‌های دارای این منابع به حساب می‌آید، انتظار بر آن است که با افزایش درآمدهای ناشی از فروش منابع، انگیزه دولت‌ها برای کسب درآمدهای مالیاتی نیز کاهش یابد.

ایران نیز مقادیر قابل توجهی منابع طبیعی داشته و درآمدهای ناشی از این منابع سهم نسبتاً بالایی از درآمدهای دولت را به خود اختصاص داده است. به گونه‌ای که متوسط سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت ۵۵٪ و سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت ۳۱٪ در بین سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۹۲ بوده است. این سهم نمایانگر این مسئله است که ساختار اقتصاد ایران، ساختاری نفتی است و عمده‌ی بودجه‌ی دولت از این منبع درآمد تأمین می‌شود.

با توجه به مشکلاتی که کشورهای صادرکننده نفت با آن روبه‌رو هستند، توجه هر چه بیشتر دولت‌ها به درآمدهای مالیاتی، کاهش اتکا به درآمدهای نفتی، جایگزینی و افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در سیستم درآمدی دولت، می‌تواند وابستگی بیش از حد اقتصاد به درآمدهای نفتی را کاهش دهد؛ همچنین، هرچه سهم مالیات در تأمین مخارج دولت بیشتر باشد آثار مطلوب اقتصادی بیشتری را در پی خواهد داشت. مسئله اصلی تحقیق حاضر بررسی نحوه تأثیرگذاری انواع درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی در حالت حضور و عدم حضور درآمدهای نفتی است. به عبارتی مسئله اصلی تحقیق بررسی این امر است که آیا در نظر گرفتن درآمدهای نفتی موجب بدتر شدن و یا بهتر شدن نقش درآمدهای مالیاتی در بهبود یا بدتر شدن رشد اقتصادی در کشور می‌گردد. سازمان‌دهی مقاله به صورت زیر است: پس از مقدمه، در بخش دوم و سوم به ترتیب، ادبیات نظری و پیشینه تحقیق ارائه شده است. بخش چهارم مدل تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است و به تخمین مدل با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی پرداخته شده است. در این بخش دو مدل جداگانه در راستای نحوه اثرگذاری درآمدهای مالیاتی مختلف بر رشد اقتصادی در حالت حضور و عدم حضور درآمدهای نفتی برآورد شده است. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی آخرین بخش مقاله را تشکیل می‌دهد.

۲. مبانی نظری و تجربی

یکی از مهم‌ترین موضوعات بحث برانگیز در اقتصاد، رابطه مالیات با رشد اقتصادی و اینکه چگونه مالیات رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اغلب مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است حاکی از آن دارد که اثر مالیات بر رشد اقتصادی منفی است. تئوری‌های اقتصادی چگونگی این رابطه منفی بین مالیات و رشد اقتصادی را بیان می‌کند. بر اساس تئوری اقتصادی، مالیات‌ها، هزینه فعالیت‌هایی که مشمول مالیات می‌شوند را افزایش و بازده و سود آن‌ها را کاهش می‌دهند. به همین منظور افراد و بنگاه‌های کوچک به فعالیت‌هایی رو می‌آورند که بتوانند بار مالیاتی را حداقل کنند. یعنی آن‌ها فعالیت‌هایی که مشمول نرخ پایین‌تری از مالیات می‌شوند را جانشین فعالیت‌هایی که نرخ بالای مالیاتی دارند، می‌کنند. به همین منظور افراد و بنگاه‌ها به فعالیت تولیدی کمتری رو آورده و منجر به نرخ‌های پایین‌تری از رشد اقتصادی می‌شوند.

امروزه اقتصاددانان مطالعه‌های تجربی و نظری بسیاری درباره تأثیر مالیات‌ها بر رشد اقتصادی کشورهای مختلف انجام داده‌اند. بر اساس الگوی رشد نئوکلاسیک‌ها (الگوهای رشد برون‌زا)، هر چند سیاست‌های دولت و من جمله مالیات‌ها می‌تواند بر نرخ رشد اقتصادی تأثیر داشته باشد، ولی این تأثیر کوتاه‌مدت است و در بلندمدت استمرار نخواهد داشت. در چارچوب الگویی که توسط نظریه پردازان رشد اقتصادی ارائه شده و به الگوهای رشد درون‌زا موسوم است، تغییرهای دائمی در متغیرهایی مانند مالیات‌ها که به صورت بالقوه تحت تأثیر سیاست‌های دولت قرار دارند، می‌تواند تغییرهای دائمی در نرخ رشد اقتصادی ایجاد نماید. گذشته از این موارد ادبیات گسترده‌ای وجود دارد که حاکی از تأثیر منفی بسیاری از برنامه‌های عمومی دولت بر پس‌انداز و انباشت سرمایه است که از سیستم مالیاتی سرچشمه می‌گیرد.

تأثیر مالیات‌ها بر رشد اقتصادی و جهت‌علیت آن را نمی‌توان از قبل به‌صراحت مشخص کرد، زیرا بستگی دارد که سایر عوامل مانند سرمایه انسانی که در کنار سرمایه فیزیکی به کار گرفته می‌شود، چگونه شامل مالیات شوند. شواهد تجربی نیز در مورد اثر سیاست مالیاتی بر رشد

اقتصادی، گرچه اغلب حاکی از وجود رابطه منفی بین مالیات بر درآمد و رشد اقتصادی است، متفاوت بوده است.

مالیات بر درآمد شخصی و مالیات بر شرکت‌ها، جدا از مقدار و انواع آن، انگیزه تولید را کاهش و رشد بالقوه تولید ناخالص داخلی را به شدت کند می‌کند. آثار مالیات بر عرضه کار و پس‌انداز (رشد اقتصادی) حتی در اقتصادهای ساده نیز بسیار پیچیده است. به طور کلی، پس از وضع مالیات دو اثر درآمدی و جانشینی ایجاد می‌شود. اثر درآمدی از طریق بالا بردن مطلوبیت نهایی درآمد بر اثر کاهش درآمد حقیقی مالیات‌دهنده، عرضه کار را افزایش می‌دهد و اثر جانشینی تغییرات ارزش نهایی تفریح و استراحت را نسبت به مزد کار می‌سنجد. این دو اثر همواره در جهت مخالف یکدیگر عمل می‌کنند. همان‌گونه که گفته شد، وضع هرگونه مالیات، درآمد قابل خرج حقیقی مالیات‌دهنده را کاهش خواهد داد و کاهش درآمد حقیقی، پس‌انداز را به میزانی بیشتر از مصرف کاهش می‌دهد. این مسئله حتی در حالتی که عرضه کار نیز افزایش یابد، صادق است؛ اما کاهش پس‌انداز، هنگامی که عرضه کار در بخش پولی، کاهش یافته، تشدید خواهد شد. حتی در اقتصادهای توسعه یافته نیز مالیات باعث کاهش پس‌انداز بخش خصوصی می‌شود و این امر می‌تواند باعث تأثیر منفی بر رشد اقتصادی شود.

به طور کلی ساختار مالیات‌ها می‌تواند اثرات مهمی بر رشد داشته باشد. به عنوان مثال، در یک سطح معین مالیات، انتقال از مالیات بر درآمد به مالیات بر مصرف انگیزه پس‌انداز را افزایش داده و انباشت سرمایه را تشویق می‌کند. تأثیر ساختار نظام مالیاتی بر انباشت منابع، ساختار نظام مالیاتی می‌تواند اثرهای دیگری هم بر رشد اقتصادی داشته باشد و برای مثال، تأکید بیش از حد بر مالیات‌های گمرکی می‌تواند تهدیدی برای امکان جذب فناوری‌های جدید باشد، زیرا صنایع داخلی را از مواجهه با بازارهای جهانی و رقابت بازمی‌دارد. بنابراین تأثیر مالیات بر رشد منفی خواهد بود. از دیگر سو، هرگاه اعمال سیاست‌های مالی دولت منجر به بروز نا اطمینانی در ساختار مالیاتی و یا مخارج دولتی شود، بازدهی نهایی سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی با نوسان مواجه شده و در نتیجه با افزایش نا اطمینانی بخش خصوصی نسبت به بازدهی آتی سرمایه‌گذاری‌ها و در

نتیجه نوسان پذیری بازدهی نهایی بخش خصوصی، بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های این بخش کاهش یافته و رشد اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت (فرامرزی و همکاران؛ ۱۳۹۴). اما این مباحث در اقتصاد ایران تا حدودی متفاوت است.

درآمدهای حاصل از صادرات نفت بخش مهمی از بودجه سالانه کشور ایران را تشکیل می‌دهد و از آنجایی که مالیات‌ها به عنوان اصلی‌ترین شکل‌دهنده رابطه دولت و شهروندان یک کشور به شمار می‌آیند میزان پاسخگویی دولت‌ها به میزان اتکای آن‌ها به پرداخت‌کنندگان مالیات بستگی دارد. وفور منابع طبیعی و درآمدهای بادآورده ناشی از آن احتمالاً این رابطه را دچار تضعیف می‌کند.

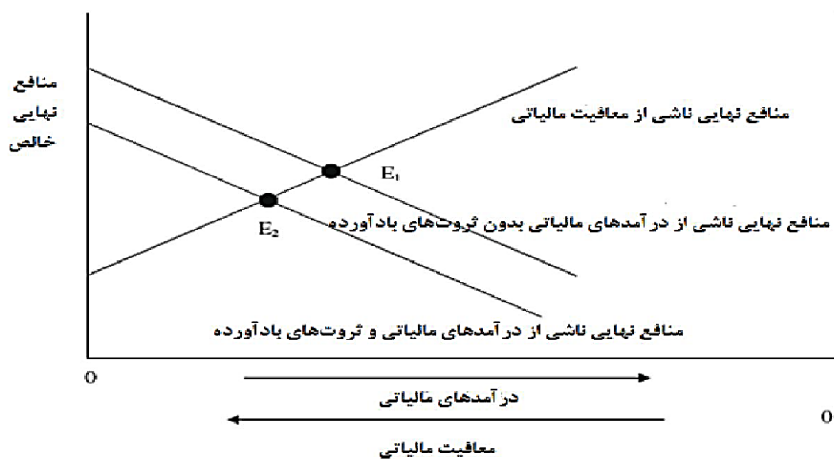
همان‌طور که بیان شد مالیات‌ها حلقه اتصال بین دولت و شهروندان محسوب می‌گردند، اما سؤال اینجاست که چه عواملی این رابطه را تضعیف می‌کنند؟ این پرسش را می‌توان از دریچه نظریه معروف نفرین منابع طبیعی مورد بررسی قرار داد. یکی از ویژگی‌های شگفت‌انگیز رشد مدرن اقتصادی این است که اقتصادهای دارای منابع طبیعی زیاد نسبت به اقتصادهای فقیر از نظر منابع طبیعی رشد پایین‌تری را تجربه می‌نمایند (ساجز و وارنر، ۱۹۹۷). زمانی که صحبت از منابع طبیعی به میان می‌آید رانت حاصل از منابع نقش اصلی در تحلیل‌های اقتصادی ایفا می‌نماید. دولت‌های رانتیر^۱ یکی از پیامدهای وفور منابع هستند که فزونی رانت آن‌ها را از تکیه بر مالیات‌ها بی‌نیاز می‌سازد. عدم نیاز دولت‌ها به مالیات موجب کاهش پاسخگویی دولت به شهروندان و کاهش کارایی دولت می‌گردد. از آنجایی که نفت یک منبع باارزش و از نظر فیزیکی مورد توجه است منافع حاصل از آن به تعداد کمی از شرکت‌های بزرگ و دولت‌های مرکزی و افرادی که آن‌ها را اداره می‌کنند تعلق می‌گیرد. شواهد نشان می‌دهد که دولت‌های وابسته به نفت:

1. Rentier State

تمایل دارند مستقل از شهروندان مالیات‌دهنده و غیرپاسخگو به آن‌ها باشند. علاقه اندکی به ارتقای سیستم گسترده توسعه اقتصادی دارند.

تمایل دارند تا درآمدهای غیرشفاف و نظارت قانونی کمتری داشته باشند. تمایل کمی به ایجاد بروکراسی‌های مؤثر جهت افزایش و مدیریت مالیات‌ها دارند.

در نمودار زیر چارچوب ساده‌ای برای نشان دادن آثار رانت ناشی از ثروت‌های ملی بر سیستم مالیاتی نشان داده شده است. محور افقی نمودار از راست به چپ معافیت‌های مالیاتی و از چپ به راست درآمدهای مالیاتی را نشان می‌دهد، همچنین خالص منافع حاصل از معافیت‌های مالیاتی و درآمدهای مالیاتی روی محور عمودی نشان داده شده است.



نمودار شماره ۱. آثار رانت ناشی از ثروت‌های ملی بر سیستم مالیاتی

همان‌طور که نمودار فوق نشان می‌دهد. منافع نهایی حاصل از درآمدهای مالیاتی همان‌طور که در نمودار فرض شده است به دلایلی در حال کاهش است. هزینه‌های مدیریتی جمع‌آوری مالیات و کاهش کارایی تخصیصی ناشی از مالیات بیشتر همراه با درآمدهای افزایش می‌یابند. از سوی دیگر، برخی معتقدند کالاها و خدمات عمومی که با استفاده از درآمدهای مالیاتی ایجاد می‌گردند. در نهایت از حمایت‌های اضافی عمومی کمتری برخوردارند. اگر درآمدهای

اضافی مالیاتی را بتوان تنها با دادن حقوق (سیاسی و اقتصادی) بیشتر به مالیات‌دهندگان به دست آورد. معافیت‌های مالیاتی به صورت گسترده تعریف می‌شوند تا اینکه معافیت‌های غیررسمی و قانونی و در برخی موارد رشوه را در برگیرد. ممکن است معافیت‌ها حتی زیان ناشی از ناکارایی جمع‌آوری مالیات را در برداشته باشد. حکومت برای ایجاد حمایت سیاسی بعضاً از معافیت‌های مالیاتی استفاده می‌کند. تخصیص پست‌های مدیریتی در سیستم مالیاتی بین گروه‌ها یا افراد مورد علاقه و مدارا با فعالیت‌های رشوه‌جویانه و اجرای اختیاری قوانین مالیاتی از جمله اقدامات برای ایجاد این حمایت می‌باشند. فرض می‌شود منافع نهایی ناشی از معافیت‌های مالیاتی برای حکومت در حال کاهش است و معافیت‌ها ابتدا برای هواداران (رای‌دهندگان) اصلی حکومت در نظر گرفته می‌شوند و معافیت‌های اضافی نهایتاً حمایت سیاسی اضافی کمتری در پی خواهند داشت، در حالی که احتمالاً کاهش در کارایی بیشتر و بیشتری را به اقتصاد تحمیل می‌کند. حکومت سطحی از معافیت‌های مالیاتی را انتخاب خواهد نمود که منافع خالص آن را حداکثر می‌سازد که این سطح بدون احتساب درآمدهای ناشی از منابع طبیعی است. نقطه E1 ترکیب تعادلی معافیت‌ها و درآمدهای مالیاتی را نشان می‌دهد. با احتساب درآمدهای ناشی از منابع طبیعی منحنی منافع نهایی درآمدهای مالیاتی به سمت چپ انتقال می‌یابد که نقطه تعادلی جدید در E2 خواهد بود. این نقطه سطح پایین درآمدهای مالیاتی و کیفیت پایین سیستم مالیاتی را نشان می‌دهد (ناک، ۲۰۰۹). افزایش درآمدهای نفتی ذاتاً تأثیر منفی بر مالیات نخواهد داشت؛ اما کیفیت سیاست‌گذاری از جانب دولت بسیار مهم است. الزاماً کاهش نرخ مالیات و افزایش استفاده از درآمدهای نفتی برای تحریک فعالیت‌های بخش خصوصی زیان‌آور نیست، اما کاهش کیفیت سیستم مالیاتی به دلیل وابستگی به درآمدهای نفتی عامل نگران‌کننده‌ای است، چراکه هنگام کاهش درآمدهای نفتی، سیاست و مدیریت ناکارای مالیاتی به راحتی نرخ‌های مالیاتی قابل تغییر نیستند به عنوان مثال، افزایش درآمدهای نفتی در سال ۱۹۷۳ توان عربستان در جمع‌آوری مالیات را کاهش داد، همچنین دو نهاد قوی مالیاتی همچون زکات و مالیات بر درآمد از کار بازماندند (چاودری، ۱۹۸۹).

بودجه عمومی دولت در ترکیب تقاضای کل اقتصاد ایران سهم قابل توجهی دارد (در حدود ۳۲ درصد در حالی که متوسط جهانی ۲۴ درصد است) و از طرف دیگر، مخارج دولت در ایران به طور مداوم در حال گسترش بوده است. بدین خاطر اقتصاد ایران در مواقعی که با افزایش درآمدهای نفتی مواجه بوده، دچار اضافه تقاضای مؤثر نیز بوده است. علاوه بر سهم بالای مخارج دولت در اقتصاد ایران، مشکل بزرگ‌تر وابستگی ساختاری بودجه دولت به درآمدهای نفتی است. درآمدهای نفتی به دلیل نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی، پر نوسان و بی ثبات است؛ اما نکته جالب واکنش نامتقارن بودجه جاری دولت به درآمدهای نفتی است. در واقع در دوره‌های رونق نفتی که درآمدهای نفتی افزایش می‌یابد، مخارج جاری دولت از طریق فروش درآمدهای ارزی حاصل از نفت، تأمین می‌شود، در مقابل در دوره‌های رکود نفتی که درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد، مخارج جاری دولت نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه مخارج جاری رو به افزایش دولت از طریق کاهش بودجه عمرانی و استقراض از بانک مرکزی جهت پوشش کسری بودجه تأمین می‌گردد (دیزجی، ۱۳۹۱).

وابستگی ساختاری بودجه دولت به درآمدهای نفتی و هزینه این درآمدها (درآمدهای ارزی) از طریق بودجه دولت، نه تنها به استفاده بهینه از درآمدهای نفتی و تبدیل آن‌ها به ثروت نگردیده است، بلکه به بی ثباتی اقتصاد کشور دامن زده و موجب تضعیف اقتصاد ایران شده است. به‌طور کلی درآمدهای نفتی در ساختار بودجه و مخارج دولتی اقتصادهای متکی به نفت نقش پررنگی دارند. این درآمدها منبع اصلی برای تأمین مالی مخارج دولت می‌باشند. به‌پشتوانه این درآمدها دولت صاحب سهم عمده‌ای از بنگاه‌های اقتصادی و منابع طبیعی است. در جداول ذیل وضعیت درآمدهای مالیاتی به تفکیک ارائه شده است.

جدول شماره ۱: بودجه مصوب مالیاتی (میلیارد ریال)

بودجه مصوب												سال	منابع
۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸		
۳۳۵,۶۸۳	۲۹۸,۸۵۲	۲۳۷,۶۶۹	۲۳۱,۵۷۲	۱۸۶,۶۰۵	۱۷۳,۰۱۱	۱۲۹,۵۴۵	۱۵۴,۶۹۶	۱۰۹,۳۲۴	۹۳,۱۸۷	۷۹,۸۴۶	۶۴,۴۹۷	مالیات اشخاص حقوقی	
۵۷,۷۵۵	۵۳,۶۴۳	۴۳,۱۷۴	۳۵,۲۳۷	۲۸,۸۱۸	۲۸,۸۳۸	۱۴,۲۶۲	۱۱,۸۴۲	۱۶,۱۸۸	۱۶,۰۱۵	۱۰,۵۸۱	۷,۳۳۸	علی الحساب اشخاص حقوقی دولتی	
۴۹,۵۱۷	۳۵,۰۰۰	۳۵,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰	۳۶,۳۷۰	۴۲,۲۰۰	۶۱,۲۴۰	۲۲,۰۰۰	۱۹,۰۰۰	۱۸,۴۸۷	۶,۱۰۰	اشخاص حقوقی دولتی	
۹۷۹	۷۵۳	۶۷۳	۶۰۰	۱۹۲	۴۰۰	۵۰۰	۳۸۰	۴۳۶	۶۶۴	۷۰۰	۷۰۰	نهادهای و بنیادهای انقلاب اسلامی	
۲۲۷,۴۳۲	۲۰۷,۴۷۰	۱۵۵,۳۴۹	۱۴۸,۵۴۹	۱۷۷,۵۹۵	۱۰۷,۴۰۳	۷۲,۵۸۳	۴۴,۵۰۲	۳۴,۰۰۰	۲۸,۲۷۲	۲۳,۴۴۴	۱۸,۵۰۰	اشخاص حقوقی غیردولتی	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۶,۷۳۲	۲۶,۷۰۰	۲۹,۲۲۷	۲۶,۱۲۴	۳۱,۸۶۹	عملکرد نفت	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵۰۰	۰	اضافی شرکت مخابرات	
۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	موضوع مواد ۲ و ۳ قانون توسعه دریایی	
۰	۱,۶۸۶	۳,۱۲۶	۶,۸۸۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	علی الحساب شرکت‌های در حال واگذاری	
۱۴۰,۷۲۴	۱۱۵,۹۲۵	۱۰۱,۳۹۳	۸۲,۳۹۵	۶۷,۸۸۴	۵۲,۷۸۷	۵۱,۶۵۱	۴۱,۸۱۵	۳۱,۸۶۵	۲۵,۰۶۷	۱۸,۶۴۶	۱۴,۷۰۰	مالیات بر درآمدها	
۴۳,۸۹۱	۳۰,۵۰۲	۲۷,۸۷۱	۲۱,۳۴۴	۱۷,۹۴۴	۱۴,۳۶۹	۱۵,۱۶۹	۱۲,۸۲۷	۹,۹۲۰	۸,۰۰۰	۴,۸۲۶	۳,۹۵۰	حقوق کارکنان بخش عمومی	
۴۵,۱۴۳	۴۰,۶۰۱	۳۵,۴۷۲	۲۶,۳۸۴	۲۱,۱۷۶	۱۶,۱۲۱	۱۴,۳۸۱	۱۲,۱۶۲	۸,۶۸۰	۷,۰۰۰	۴,۰۹۴	۲,۸۰۰	حقوق کارکنان بخش خصوصی	
۴۲,۵۰۰	۳۷,۹۸۵	۳۲,۶۱۶	۳۰,۲۰۵	۲۵,۰۴۶	۲۰,۳۲۹	۲۰,۰۸۰	۱۵,۱۷۹	۱۱,۹۰۰	۹,۰۹۱	۸,۶۱۲	۷,۲۰۰	مشاغل	
۷,۸۹۰	۵,۷۳۶	۴,۲۷۴	۳,۴۶۸	۲,۶۴۱	۱,۸۸۸	۱,۹۴۳	۱,۵۵۴	۱,۳۰۰	۹۲۹	۱,۰۲۹	۷۰۰	مستغلات	
۱۰۰	۱۰۰	۶۰	۹۵	۷۸	۸۰	۷۸	۹۳	۶۵	۴۷	۸۵	۵۰	متفرقه درآمد	
۱,۲۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱,۰۰۰	-	-	-	-	-	-	۰	معافیت مالیاتی (جمعی - خرجی)	
۲۵,۰۰۸	۲۳,۵۲۳	۲۶,۸۷۵	۲۰,۹۰۰	۱۶,۹۵۵	۱۳,۵۸۸	۱۲,۱۱۵	۹,۲۱۴	۷,۷۰۷	۶,۵۹۳	۶,۳۰۵	۶,۹۵۵	مالیات بر ثروت	

۴۶۲۴	۴۱۷۳	۳۶۳۰	۲۶۲۶	۱۸۷۹	۱۶۳۱	۱۲۰۵	۹۶۶	۷۰۰	۴۵۵	۴۷۷	۳۳۰	ارث
۲۵۰	۵۰	۴۲	۷۳	۶۰	۶۰	۳۰	۱۵	۷	۱۵	۱۴	۱۵	اتفاقی
۷۲۳۹	۶۰۴۶	۵۱۲۰۲	۳۸۷۹	۳۲۰۰	۱۸۱۹	۱۹۶۴	۱۵۰۴	۱۱۰۰	۸۵۹	۱۰۰۷	۱۷۰۰	نقل و انتقال سرقفلی
۵۱۵۱	۵۸۷۳	۵۱۱۴	۳۳۰۳	۲۷۲۵	۱۵۵۹	۹۸۷	۸۵۸	۴۰۰	۳۰۳	۶۰۰	۱۳۳۰	نقل و انتقال سهام
۳۶۰۱	۴۱۶۳	۴۲۴۶	۲۸۴۶	۲۳۴۸	۲۲۸۴	۲۰۵۵	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۱۶۲	۱۰۷۳	۱۱۸۰	نقل و انتقال املاک
۴۲۱۸	۳۲۱۸	۸۶۴۰	۸۱۷۲	۶۷۴۲	۶۲۳۴	۵۸۷۴	۴۳۷۱	۴۰۰۰	۳۸۰۰	۳۱۳۴	۲۴۰۰	حق تمیر و اوراق بهادار
۵۰۱۴۸۸	۴۲۸۲۰۰	۳۵۵۹۳۷	۲۳۴۸۶۷	۲۷۱۴۴۴	۲۳۹۳۸۶	۱۹۳۳۱۱	۲۰۵۷۲۵	۱۴۸۸۹۶	۱۲۴۴۷۲	۱۰۴۷۹۷	۸۶۱۵۲	جمع مالیات‌های مستقیم
۴۵۲۶۹	۳۷۵۸۴	۲۹۴۳۴	۱۶۱۲۹	۵۴۰۰	۱۶۰۰۰	۱۶۷۲۵	۱۴۵۶۵	۳۵۴۹	۶۴۳۵	۳۳۰۰	۲۸۰۰	فرآورده‌های نفتی
۱۰۰	۱۰	۱۱	۱۱۱	۲۰	۲۱۰	۱۷۱۵	۱۰۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۵۴۸۳	۴۲۹۰	دو درصد کالاها و خدمات
۳۹۶۶	۳۷۳۳	۲۲۷۳	۱۴۷۶	۱۸۹۶	۱۷۱۴	۱۹۷۱	۱۱۴۲	۹۹۰	۵۹۶	۸۶۰	۳۰۰	عوارض خروج
۴۴۵۰	۴۳۲۰	۴۱۰۴	۲۴۶۳	۱۰۸۹	۱۲۲۸	۱۰۵۷	۵۶۰	۴۰۰	۳۸۴	۲۶۲	۱۸۰	سیگار
۷۴۳۸	۷۰۶۷	۴۲۱۲	۲۹۰۰	۱۹۰۰	۱۸۴۱	۲۱۴۴	۱۶۷۹	۱۳۵۰	۱۰۶۱	۱۱۰۰	۷۸۰	نقل و انتقالات اتومبیل
۷۷۱۶	۷۰۵۲	۵۱۶۴	۴۳۵۸	۴۹۰۷	۵۱۱۲	۴۴۲۲	۳۲۰۰	۲۲۰۰	۱۵۷۲	۱۱۲۶	۱۱۰۰	شماره‌گذاری خودرو
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۲۹۹	۱۴۶۵	۱۴۲۲	۱۲۰۰	خدمات مخابراتی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۰۰	۲۷۸	۴۹۹	۳۵۰	فروش نوشابه
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۶۲۹	۲۰۲۰	۱۶۰۰	۰	تلفن همراه
۲۴۸۵۵۴	۲۴۸۴۹۵	۱۸۲۳۳۶	۹۶۲۰۲	۵۳۹۸۸	۴۱۰۱۰	۲۸۱۰۸	۱۷۴۲۵	۰	۰	۰	۰	ارزش افزوده
۳۶۷۴۹۲	۳۰۸۱۲۰	۲۲۷۵۳۴	۱۲۳۶۳۷	۶۹۲۰۱	۶۷۱۲۵	۵۶۱۴۳	۳۹۵۷۱	۱۴۷۱۶	۱۶۰۳۳	۱۵۶۵۲	۱۱۰۰۰۰	مالیات بر کالا و خدمات
۸۶۸۹۸۱	۷۴۶۵۶۰	۵۹۳۴۷۱	۴۵۸۵۰۴	۳۴۰۶۴۵	۳۰۶۵۱۱	۲۴۹۴۵۴	۲۴۵۲۹۶	۱۶۳۶۱۲	۱۴۰۸۸۰	۱۲۰۴۴۹	۹۷۱۵۲	مالیات‌های مستقیم و کالا و خدمات
۱۶۹۳۰۰	۱۳۷۳۰۰	۱۰۹۰۰۷۴	۱۰۶۰۰۰۰	۱۱۵۱۲۴	۹۷۹۳۱	۱۰۲۰۰۰۰	۶۶۱۲۶	۵۳۵۳۱	۵۶۴۱۵	۵۷۱۶۸	۳۷۶۸۰	مالیات بر واردات
*****	۸۸۳۸۶۰	۷۰۲۵۴۵	۵۶۴۵۰۴	۴۵۵۷۶۹	۴۰۴۴۴۲	۳۵۱۴۵۴	۳۱۱۴۲۲	۲۱۷۱۴۳	۱۹۷۲۹۵	۱۷۷۶۱۷	۱۳۴۸۳۲	جمع کل درآمد‌های مالیاتی

جدول شماره ۲: بودجه وصولی مالیاتی (میلیارد ریال)

	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	□
مالیات اشخاص حقوقی	۳۲۰,۳۸۹	۲۷۸,۹۴۷	۲۴۰,۰۴۶	۱۷۹,۹۶۹	۱۶۹,۷۰۶	۱۵۷,۸۹۲	۱۱۶,۵۰۰	۱۶۷,۳۰۰	۱۲۷,۷۹۴	۹۳,۶۱۱	۷۳,۸۶۲	۶۴,۴۶۰	۰۰۰۰۰
X1	۵۵,۷۹۷	۴۸,۵۲۰	۴۰,۷۵۲	۳۳,۳۸۴	۳۰,۶۵۰	۲۵,۱۹۴	۱۲,۱۲۴	۸,۶۰۶	۱۶,۳۶۷	۱۴,۴۹۶	۹,۷۸۷	۶,۰۲۷	۲۱۸,۶۲۷
X2	۶۴,۱۲۶	۳۳,۳۸۴	۳۷,۲۱۹	۲۴,۳۳۳	۳۵,۳۳۱	۴۴,۸۴۲	۳۳,۵۲۲	۷۱,۰۰۶	۴۱,۳۶۷	۲۱,۳۸۷	۱۳,۷۸۸	۸,۸۲۷	۱۸۹,۵۱۷
X3	۱۵۰	۲۴۶	۳۸۸	۲۶۹	۴۰۶	۳۲۹	۱۹۴	۱۷۵	۲۲۳	۲۱۰	۲۵۷	۲۰۰	۳,۱۹۷
X4	۲۰۰,۳۱۷	۱۹۶,۹۸۸	۱۶۰,۶۵۴	۱۲۱,۹۷۹	۱۰۲,۳۱۹	۸۷,۵۲۷	۷۰,۶۳۸	۵۰,۷۸۲	۳۳,۱۳۷	۲۷,۳۸۱	۲۲,۴۹۹	۱۷,۵۰۷	۸۶۶,۴۴۲
X5	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۶,۷۳۲	۳۶,۷۰۰	۲۹,۲۳۷	۲۶,۱۳۴	۳۱,۸۶۹	۰	۰
X6	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۴۶	۰	۰
X7	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹۰۰
X8	۰	۸۱۰	۱,۰۲۴	۱,۰۱۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۱,۶۹۸
مالیات بر درآمدها	۱۴۹,۸۱۱	۱۱۷,۸۱۱	۹۴,۰۳۸	۷۶,۰۶۸	۶۲,۶۷۸	۴۹,۶۱۲	۴۱,۱۱۶	۳۳,۹۲۸	۳۱,۵۸۸	۲۵,۹۶۱	۱۹,۴۵۱	۱۵,۲۵۳	۵۰۸,۳۲۱
X9	۵۴,۰۴۵	۴۲,۰۷۰	۳۸,۹۷۹	۲۱,۳۸۲	۱۸,۴۸۸	۱۵,۱۴۵	۱۲,۹۷۷	۱۱,۳۱۰	۱۰,۵۳۳	۸,۸۸۰	۶,۲۰۳	۴,۷۸۲	۱۴۱,۵۵۱
X10	۴۷,۰۵۹	۳۶,۶۶۷	۳۲,۷۳۳	۲۸,۵۵۸	۲۱,۰۰۹	۱۵,۹۶۸	۱۲,۶۰۶	۹,۵۹۹	۹,۰۳۷	۶,۳۱۰	۴,۸۵۸	۳,۵۲۹	۱۶۸,۶۷۷
X11	۳۹,۹۰۳	۳۱,۹۴۹	۲۶,۵۵۳	۲۱,۳۳۴	۱۹,۱۵۰	۱۶,۲۴۴	۱۳,۷۸۰	۱۱,۶۲۳	۱۰,۸۸۱	۹,۷۲۶	۷,۵۱۶	۶,۳۸۹	۱۶۸,۳۵۲
X12	۷,۸۴۷	۶,۰۶۹	۴,۷۵۸	۳,۷۴۶	۳,۰۵۱	۲,۱۶۵	۱,۶۸۷	۱,۳۳۰	۱,۰۶۵	۹۷۵	۸۲۶	۶۲۶	۲۴,۱۰۹
X13	۵۶	۵۶	۴۴	۵۹	۵۳	۹۰	۶۶	۶۷	۷۱	۷۰	۳۹	۲۷	۴۲۲
X14	۹۰۰	۱,۰۰۰	۹۷۰	۱,۰۰۰	۹۲۷	-	-	-	-	-	-	۰	۵,۲۰۰
مالیات بر ثروت	۲۶,۹۶۳	۲۴,۱۵۳	۲۵,۱۱۵	۲۱,۸۴۶	۱۵,۸۹۳	۱۲,۹۱۳	۱۱,۱۳۳	۷,۸۰۲	۷,۷۷۱	۷,۶۶۲	۵,۳۷۸	۴,۳۱۷	۱۱۳,۳۳۳
X15	۴,۵۸۸	۳,۷۹۸	۳,۲۹۷	۲,۷۹۱	۲,۳۱۸	۱,۶۰۸	۱,۲۵۹	۱,۰۲۰	۸۸۴	۷۱۹	۴۴۷	۳۳۶	۱۶,۹۲۲

۱۴۵

نقش تعدیل‌کننده درآمدهای نفتی بر رابطه...

۴۱	۳۱	۵۵۷	۴۵	۳۰	۴۰	۴۳	۲۵	۲۵	۷۴	۱۰	۱۲	۴۷۵	اتفاقی	X16
۷,۷۴۳	۵,۹۲۴	۵,۲۱۵	۴,۱۲۹	۳,۶۱۹	۲,۳۷۸	۱,۷۵۹	۱,۲۶۶	۱,۴۰۶	۱,۲۴۸	۸۵۲	۷۸۵	۲۵,۵۶۶	نقل و انتقال سرقتی	X17
۵۰۰۲	۴,۲۲۱	۳,۹۸۵	۵,۴۴۷	۲,۱۱۲	۱,۸۵۳	۱,۳۰۲	۶۲۲	۸۸۹	۹۳۵	۴۶۵	۴۷۵	۲۲,۱۶۶	نقل و انتقال سهام	X18
۵۰۰۱۰	۳۰۶۸	۳,۱۷۳	۲,۳۷۹	۲,۳۷۱	۱,۸۵۰	۱,۵۴۹	۱,۲۱۰	۱,۰۹۰	۱,۲۴۶	۱۰,۸۴	۶۱۸	۱۷,۲۰۵	نقل و انتقال املاک	X19
۴۰۰۷۹	۷,۱۱۰	۸,۸۸۸	۷,۰۶۵	۵,۴۴۳	۵,۱۸۴	۵,۲۲۱	۳,۶۵۷	۳,۴۷۸	۳,۵۴۰	۳,۵۲۱	۲,۰۹۰	۳۰,۹۹۰	حق تمبر و اوراق بهادار	X20
۴۹۷,۱۶۳	۴۲۰,۹۱۱	۳۵۹,۱۹۹	۲۷۷,۸۸۳	۲۴۸,۲۷۷	۲۲۰,۴۱۷	۱۶۸,۷۴۸	۲۰۹,۰۲۰	۱۶۷,۱۵۳	۱۲۶,۳۳۴	۹۷,۶۹۱	۸۴,۰۲۰	۰۰۰۰۰	جمع مالیات‌های مستقیم	X21
۵۲,۶۶۶	۳۲,۳۴۱	۳۲,۱۸۸	۲۱,۴۰۸	۷,۳۹۳	۱۹,۱۵۰	۷,۷۶۴	۵,۴۲۵	۲,۵۷۷	۳,۵۷۷	۳,۱۸۳	۲,۹۵۹	۱۳۳,۸۱۵	فرآورده‌های نفتی	X22
۹۸	۱۳۳	۱۳۹	۷۵	۲۹۹	۱۶۸	۲۰۳۹	۱,۴۳۴	۳,۸۶۰	۵,۳۸۸	۴,۸۳۴	۳,۷۲۲	۲۵۲	دو درصد کالاها و خدمات	X23
۲,۹۵۸	۲,۷۴۴	۲,۷۲۰	۱,۵۷۷	۱,۲۴۱	۱,۵۸۲	۱,۳۸۹	۷۴۴	۷۳۵	۶۴۸	۵۰۷	۲۶۴	۱۳,۳۴۳	عوارض خروج	X24
۳,۲۹۱	۲,۵۸۱	۲,۴۲۳	۲,۵۸۲	۱,۷۸۱	۱,۰۱۱	۷۵۰	۷۷۲	۳۹۹	۳۴۳	۳۵۷	۲۶۸	۱۶,۴۲۷	سیگار	X25
۶,۱۶۷	۵,۵۳۸	۶,۰۷۱	۳,۷۷۳	۲,۴۱۱	۱,۸۳۷	۱,۶۳۵	۱,۴۹۰	۱,۲۰۲	۱,۰۲۲	۸۵۴	۸۵۰	۲۳,۵۱۷	نقل و انتقالات اتومبیل	X26
۹,۶۲۴	۵,۹۹۳	۶,۴۴۶	۳,۳۵۳	۳,۲۲۱	۳,۶۵۵	۳,۴۱۹	۲,۴۳۲	۲,۰۱۷	۱,۸۳۵	۱,۴۰۱	۱,۲۹۹	۲۹,۱۹۷	شماره‌گذاری خودرو	X27
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱,۹۵۷	۲,۶۵۱	۱,۶۰۶	۱,۰۲۳	۰	۰	خدمات مخابراتی	X28
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۵۲	۲۵۶	۲۳۹	۲۰۶	۰	۰	فروش نوشابه	X29
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵۵۲	۹۳۲	۱,۱۴۱	۳,۹۹۰	۰	۰	تلفن همراه	X30
۲۲۵,۰۷۲	۱۹۷,۴۱۶	۱۶۷,۰۴۰	۱۰۳,۲۰۲	۵۴,۱۲۹	۳۲,۷۰۲	۲۰,۸۹۷	۱۶,۱۵۴	۲,۴۴۹	۰	۰	۰	۸۲۹,۵۷۴	ارزش افزوده	X31
۲۳۸,۰۸۴	۲۴۶,۷۴۷	۲۱۷,۰۲۶	۱۳۵,۹۶۹	۷۰,۴۸۵	۶۰,۱۰۵	۳۷,۸۹۳	۲۸,۴۵۱	۱۵,۹۰۰	۱۶,۶۶۳	۱۴,۱۲۳	۱۴,۵۹۱	۰۰۰۰۰	مالیات بر کالا و خدمات	X32
۸۳۵,۲۳۷	۶۶۷,۶۵۸	۵۷۶,۲۳۵	۴۱۳,۸۵۳	۳۱۸,۷۶۲	۲۸۰,۵۲۳	۲۰۶,۶۴۲	۲۳۷,۴۸۱	۱۸۳,۰۵۳	۱۴۲,۹۹۷	۱۱۱,۸۱۵	۹۸,۶۳۰	۰۰۰۰۰	مالیات‌های مستقیم و کالا و خدمات	X33
۱۸۲,۹۲۸	۱۱۵,۵۴۲	۱۲۳,۴۲۶	۸۰,۳۹۸	۷۶,۴۰۳	۷۸,۹۳۰	۷۷,۸۸۶	۶۲,۵۵۴	۵۶,۶۹۹	۴۸,۸۱۹	۳۹,۸۰۶	۳۵,۹۵۴	۶۳۶,۷۹۸	مالیات بر واردات	X34
۰۰۰۰۰	۷۸۳,۲۰۰	۷۰۹,۶۵۱	۴۹۴,۲۵۰	۳۹۵,۱۶۵	۳۵۹,۴۵۲	۲۸۴,۴۲۸	۲۰۰,۰۳۵	۲۲۹,۷۴۱	۱۹۱,۸۱۶	۱۵۱,۶۲۱	۱۳۴,۵۷۴	۰۰۰۰۰	جمع کل درآمدهای مالیاتی	X35

مأخذ: سازمان امور مالیاتی کشور

X32 تا X35 رشد مصرف بخش خصوصی، رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، رشد مخارج دولت و رشد خالص صادرات در نظر گرفته شده است. این شاخص‌ها نماینده متغیر رشد اقتصادی هستند

X36 تا X39 رشد فروش نفت خام، پتروشیمی، شیمیایی و نفتی در نظر گرفته شده است. این شاخص‌ها نماینده متغیر درآمدهای نفتی هستند.

۳. پیشینه تحقیق

مطالعات خارجی متعددی نیز به بررسی ارتباط بین ساختار مالیاتی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند که می‌توان به مطالعات استوبلوا (۲۰۱۷)، یانگ (۲۰۱۶)، کریمی و همکاران (۲۰۱۶)، آتمس (۲۰۱۵) عبدالله و مرلی (۲۰۱۴)، ادکیسون و محمد (۲۰۱۴)، سرن و مارتی (۲۰۱۳)، اجد و یاماریک (۲۰۱۲)، لی و گوردون (۲۰۰۵) جوهانسون و همکاران (۲۰۰۸)، اشاره نمود. در ادامه نتایج چند تحقیق ارائه شده است.

ارنستو و سانجیوگوپتا (۲۰۱۴)؛ آن‌ها داده‌های جدید ۳۵ کشور دارای منابع غنی را طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۹ را استفاده کردند تا تأثیر افزایش دادن درآمد منابع را بر روی انواع مختلف درآمد حاصل از مالیات داخلی را تحلیل کنند. در کل، به یک رابطه آماری منفی بین درآمد منابع و درآمد داخلی کل رسیدند.

بورنه وست و دیگران (۲۰۰۹)؛ با استفاده از داده‌های ۳۰ کشور، وجود رابطه جانشینی میان درآمدهای ناشی از کربن‌ها و دیگر درآمدهای دولت‌های تحصیلدار را نشان داده‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق، کشورهایی که از استخراج منابع طبیعی درآمد زیادی به دست می‌آورند به طور قابل ملاحظه‌ای از تلاش خود برای اخذ مالیات می‌کاهند. درآمد ناشی از منابع طبیعی یکی از عوامل تعیین‌کننده نسبت درآمد مالیاتی به GDP است.

تیچرینا و پاگان (۲۰۰۳)؛ روابط متقابل درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفتی و مخارج دولت در مکزیک را بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، کاهش ناگهانی درآمدهای نفتی در اقتصادهای وابسته به نفت می‌تواند سبب عدم تعادل و فشار مالی شود. استفاده از تابع واکنش

تحریک، وجود یک رابطه جانشینی میان درآمدهای نفتی و درآمدهای مالیاتی در مکزیک را نشان می‌دهد.

صامتی و همکاران (۱۳۹۸)؛ به بررسی میزان و نحوه تأثیر نااطمینانی ساختار (درآمدهای مالیاتی ایران بر تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۶ و با بهره‌گیری از الگوی واریانس ناهمسانی شرطی خودتوضیحی تعمیم یافته (GARCH) و رویکرد خود توضیحی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان داد که نااطمینانی مالیاتی در ایران می‌تواند هم تأثیر مثبت و هم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی بگذارد؛ به گونه‌ای که متغیرهای نااطمینانی مالیات کالاها و خدمات، نااطمینانی مالیات واردات و نااطمینانی مالیات ثروت (دارایی) تأثیر منفی و متغیرهای نااطمینانی مالیات اشخاص حقوقی و مالیات درآمد تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی ایران داشته‌اند؛ همچنین، متغیر پرداخت‌های بودجه تأثیری مثبت اما بی‌معنایی بر رشد اقتصادی ایران داشته است. در نهایت، تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبت، معنادار و قابل توجهی از وقفه اول خود پذیرفته است.

رنجبر و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی تحت عنوان امکان جایگزینی درآمدهای مالیاتی با درآمدهای نفتی (مطالعه موردی ایران) به بررسی روابط بین میزان سهم درآمدهای مالیاتی و سهم سایر درآمدهای دولت (شامل درآمدهای نفتی) می‌پردازد. بدین منظور از برآورد یک سیستم معادلات هم‌زمان به روش خودرگرسیون برداری (روش VAR) استفاده شده و در نهایت تأثیر خالص اعمال شوک ترکیبی یک واحد افزایش درآمد مالیاتی همراه با یک واحد کاهش درآمد نفتی، بر روی درآمدهای مالیاتی، درآمدهای نفتی، کسری بودجه و شاخص قیمت‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از برطرف شدن آثار بی‌ثباتی اولیه متأثر از چنین شوکی در الگوی هشت دوره است. بنابراین، می‌توان اظهار داشت که امکان جایگزینی درآمدهای مالیاتی با درآمدهای نفتی، بدون تأثیر نامطلوب بر شرایط بلندمدت متغیرهای مورد بررسی، وجود دارد.

نظری (۱۳۹۵)؛ به بررسی اثر درآمد نفتی بر درآمد مالیاتی کشورهای صادرکننده نفت پرداخته است. برای این منظور، کشورها بر حسب درجه باز بودن تجاری به دو گروه شامل سطح

پایین و بالا تقسیم و مدل مدنظر با به کارگیری اطلاعات تابلویی کشورهای طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۸ برآورد شده است. نتایج نشان می‌دهد که در هر دو گروه از کشورهای مذکور، درآمد نفتی تأثیر منفی و معناداری بر درآمدهای مالیاتی داشته است. به علاوه، سایر متغیرها تأثیر معنی‌داری بر درآمد مالیاتی کشورهای با درجه باز بودن تجاری پایین ندارند، این در حالی است که در کشورهای با درجه باز بودن تجاری بالا، تمامی سایر متغیرها (به جزء تولید ناخالص داخلی) تأثیر معنی‌دار و مثبت دارند.

التجائی و طاهری (۱۳۹۵)؛ در تحقیقی با عنوان «رابطه میان ترکیب درآمدهای دولت و درآمد نفتی در کشورهای صادرکننده نفت» با استفاده از مدل داده‌های ترکیبی به بررسی رابطه درآمدهای دولت و درآمد نفت در کشورهای صادرکننده نفت پرداخته‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که افزایش درآمد نفت موجب کاهش سهم درآمدهای مالیاتی دولت شده است. به عبارتی با گذشت زمان درآمد نفت کمکی به بهبود وضعیت اقتصادی به لحاظ کاهش وابستگی دولت به درآمد نفتی نکرده است. همچنین درآمد نفت در قالب دو متغیر نسبت ارزش افزوده نفت به تولید ناخالص داخلی و نسبت صادرات نفت به کل صادرات در نظر گرفته شده است.

زرانژاد و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی تحت عنوان «بررسی و اندازه‌گیری تأثیر درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی در ایران» با استفاده از روش ARDL بدین نتیجه دست یافتند که فرضیه حاکی از تأثیر مثبت و معنادار درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی مورد تأیید است و لزوم کاهش اتکا به درآمدهای نفتی و اصلاح ساختار مالیاتی را نشان می‌دهد. همچنین بر اساس نتایج تحقیق تولید ناخالص داخلی، سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی و سایر درآمدهای دولت بر درآمدهای مالیاتی تأثیر مثبت و نرخ تورم تأثیر منفی بر این شاخص دارد.

هامیان و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی این امر پرداختند که در ایران فروش نفت عمده‌ترین منبع درآمدی دولت به حساب می‌آید. به دلایل مختلف از جمله، نوسان‌های قیمتی نفت و از دست رفتن یک ذخیره ملی با ارزش، این روش قابل تأیید نیست و این مسئله که باید سیستم مالیاتی کشور اصلاح گردد تا جایگزین مناسبی برای تأمین مخارج دولت باشد، اجتناب‌ناپذیر به

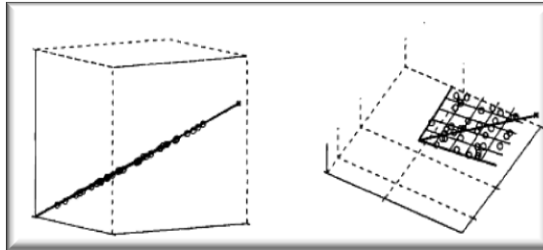
نظر می‌رسد. مطالعه حاضر به بررسی روابط فوق در ایران با در نظر گرفتن داده‌های دوری ۱۳۵۷-۱۳۸۷ ایران پرداخته است. در این خصوص، این فرضیات آزمون شده است که افزایش درآمد مالیاتی کشور، کاهش در درآمد نفتی را نمی‌تواند جبران کند و اینکه افزایش درآمد مالیاتی تأثیری بر کاهش کسری بودجه نخواهد داشت. بدین منظور از برآورد یک سیستم معادلات هم‌زمان به روش رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب (روش SUR) استفاده شده است. نتایج حاصل از تخمین نشان می‌دهد که توجه بیشتر دولت به درآمدهای مالیاتی، کاهش درآمدهای نفتی و جایگزینی درآمدهای مالیاتی در سیستم درآمدی دولت، می‌تواند وابستگی بیش از حد اقتصاد ایران را به درآمد نفتی کاهش دهد؛ همچنین در بلندمدت این درآمدهای مالیاتی هستند که بیشترین اثر را بر کاهش کسری بودجه دولت می‌گذارند.

صامتی و اسمعیل درجانی (۱۳۹۲)؛ در تحقیقی تحت عنوان «تأثیر وفور منابع طبیعی بر سیاست‌های مالی دولت در ایران طی دوره (۱۳۵۷-۱۳۸۷)، با تأکید بر فرضیه نفرین منابع طبیعی» در این پژوهش تلاش شده تا تأثیر عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی از دریچه فرضیه مشهور نفرین منابع طبیعی مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس داده‌های موجود هنگام افزایش درآمدهای نفتی میزان وابستگی دولت به درآمدهای مالیاتی کاهش می‌یابد، از این رو افزایش سهم نفت در بودجه دولت و نوسان‌های درآمد حاصل از آن یکی از عوامل اثرگذار بر سیستم مالیاتی است. هدف از این تحقیق، بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر سیاست‌های مالی در ایران طی سال‌های (۱۳۵۷-۱۳۸۷) در قالب یک مدل خطی است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ثروت‌های بادآورده ناشی از منابع نفتی نیاز به مالیات‌گیری را کاهش می‌دهد و کارایی سیستم مالیاتی را پایین می‌آورد.

۴. روش تحقیق و برآورد مدل

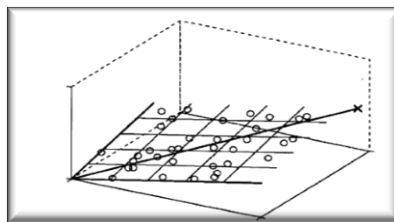
در روش حداقل مربعات جزئی ابتدا باید سعی نمود تا مجموعه‌ای از فاکتورهایی که محدوده داده‌ها در آن ضروری است را پیدا نماییم. برای این کار نمودار شماره ۲ را می‌توان ملاحظه نمود. در این شکل، باید یک محور که بیشترین پراکنش داده‌ها در آن وجود دارد را محاسبه نماییم که

جمع مربعات فاصله‌های همه آن نقاط از آن محور حداقل باشد که به این محور بردار ویژه، گفته می‌شود^۱.



نمودار شماره ۲: اولین بردار ویژه یا فاکتور مربوط به مجموعه کل داده‌ها

در ادامه همه طیف‌ها در یک ماتریس جذب قرار داده می‌شوند و اولین بردار ویژه را محاسبه می‌نماید. اولین بردار ویژه دارای ماکزیمم واریانس داده‌هایی است که بردار ویژه تمام آن نقاط را در بر گرفته است. این می‌تواند علت این باشد که چرا این بردار ویژه، همچنین اولین مؤلفه اصلی مجموعه داده‌ها، نامیده می‌شود. نمودار شماره ۳، منحنی اولین بردار ویژه مجموعه داده‌ها را نشان می‌دهد.

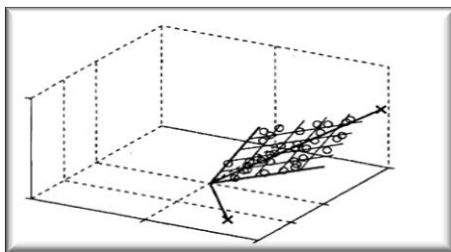


نمودار شماره ۳: منحنی اولین بردار ویژه مجموعه داده‌ها

بردار ویژه باید در ناحیه‌ای از نقاط داده‌ها قرار بگیرد که ماکزیمم واریانس برای داده‌ها ممکن شود. هر جابجایی بردار ویژه به طرف بالا یا پایین سطح داده‌ها، جمع مربعات فاصله‌های نقاط از بردار ویژه را افزایش خواهد داد. هم‌اکنون اجازه باید داد تا بردار بعدی به گونه‌ای تعیین

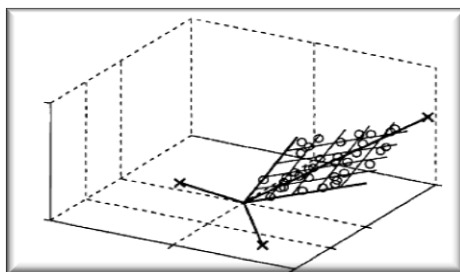
1. Eigenvector

گردد که دارای ماکزیمم مقدار واریانس باقیمانده‌ای باشد که توسط اولین بردار گردآوری نشده باشد. این را بردار ویژه دوم می‌نامیم. این بردار باید عمود بر بردار ویژه اول باشد. اگر عمود نباشد نمی‌تواند ماکزیمم مقدار واریانس باقیمانده‌ی اولین بردار ویژه را حاصل نماید (نمودار شماره ۴).



نمودار شماره ۴: منحنی اولین بردار ویژه و دومین بردار ویژه مجموعه داده‌ها عمود بر هم

با پیدا کردن این جفت بردار که با همدیگر ماکزیمم واریانس را دارند، می‌توان به عنوان مختصه جدید استفاده نمود. به علت ماکزیمم واریانس در این دو بردار، می‌توان مطمئن شد که علاوه بر این دو بردار، هیچ بردار ویژه دیگری وجود ندارد که در نظر گرفته شود. هر بردار در اینجا به عنوان یک فاکتور یا مؤلفه اصلی از داده‌ها است (این دو بردار نماینده تمام داده‌ها می‌باشند). که بر این اساس می‌توان سهم هر یک از متغیرهای توضیحی مؤثر بر متغیر وابسته را محاسبه نمود.



نمودار شماره ۵: بردار ویژه سوم عمود بر دو بردار ویژه اول و دوم

در ادامه بر اساس تمامی شاخص‌های تحقیق اقدام به برآورد مدل نمودیم. با توجه به اینکه مقیاس متغیرها یکسان نیستند، برخی بر حسب درصد (مانند رشد اقتصادی) و برخی بر حسب سطح

(مقدار مالیات بر ارزش افزوده اقتصادی) می‌باشند؛ داده‌های تحقیق نرمال شده‌اند. در ادامه در جدول شماره (۳) اقدام به تعریف متغیرهای تحقیق نموده‌ایم:

جدول شماره ۳: متغیرهای تحقیق

نماد	نام	نحوه محاسبه	مقیاس
TAX FIRM	مالیات اشخاص حقوقی	علی‌الحساب اشخاص حقوقی دولتی	میلیارد ریال
		اشخاص حقوقی دولتی	میلیارد ریال
		نهاده‌ها و بنیادهای انقلاب اسلامی	میلیارد ریال
		اشخاص حقوقی غیردولتی	میلیارد ریال
		عملکرد نفت	میلیارد ریال
		اضافی شرکت مخابرات	میلیارد ریال
		موضوع مواد ۲ و ۳ قانون توسعه دریایی	میلیارد ریال
TAX I	مالیات بر درآمدها	علی‌الحساب شرکت‌های در حال واگذاری	میلیارد ریال
		حقوق کارکنان بخش عمومی	میلیارد ریال
		حقوق کارکنان بخش خصوصی	میلیارد ریال
		مشاغل	میلیارد ریال
		مستغلات	میلیارد ریال
TAX W	مالیات بر ثروت	متفرقه درآمد	میلیارد ریال
		معافیت مالیاتی (جمعی-خرجی)	میلیارد ریال
		ارث	میلیارد ریال
		اتفاقی	میلیارد ریال
		نقل و انتقال سرقفلی	میلیارد ریال
		نقل و انتقال سهام	میلیارد ریال
نقل و انتقال املاک	میلیارد ریال		
		حق تمبر و اوراق بهادار	میلیارد ریال

ادامه جدول شماره ۳: متغیرهای تحقیق

مقیاس	نحوه محاسبه	نام	نماد
میلیارد ریال	فراآورده‌های نفتی	فراآورده‌های نفتی	TR OIL
میلیارد ریال	دو درصد کالاها و خدمات	ارزش افزوده (مالیات بر کالا و خدمات)	TAX VA
میلیارد ریال	عوارض خروج		
میلیارد ریال	سیگار		
میلیارد ریال	نقل و انتقالات اتومبیل		
میلیارد ریال	شماره‌گذاری خودرو		
میلیارد ریال	خدمات مخابراتی		
میلیارد ریال	فروش نوشابه		
میلیارد ریال	تلفن همراه		
میلیارد ریال	مالیات بر واردات	مالیات بر واردات	TAX M
درصد	درصد تغییرات تولید ناخالص داخلی	رشد اقتصادی	Y

معادلات برآوردی تحقیق در معادلات بدون حضور (معادله اول) و با حضور درآمدهای نفتی

(معادله دوم) ذیل به صورت زیر است:

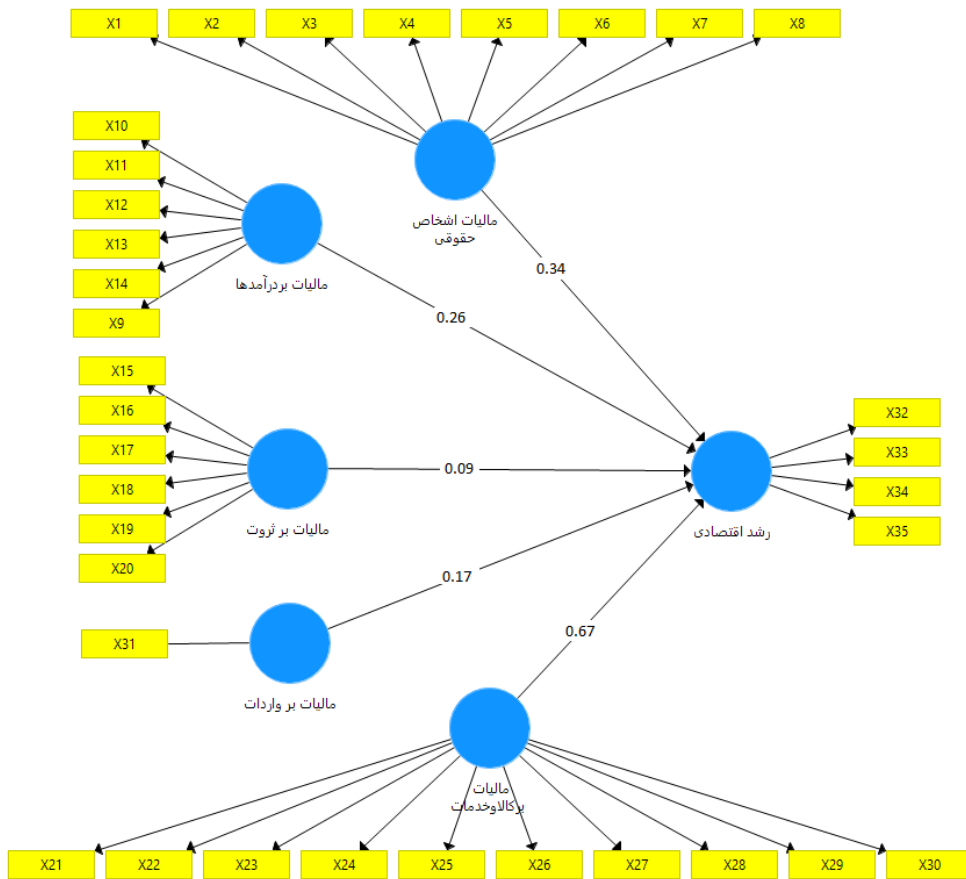
(معادله اول)

$$Y = \beta_1 TAX FIRM + \beta_2 TAX I + \beta_3 TAX W + \beta_4 TAX M + \beta_5 TAX VA$$

(معادله دوم)

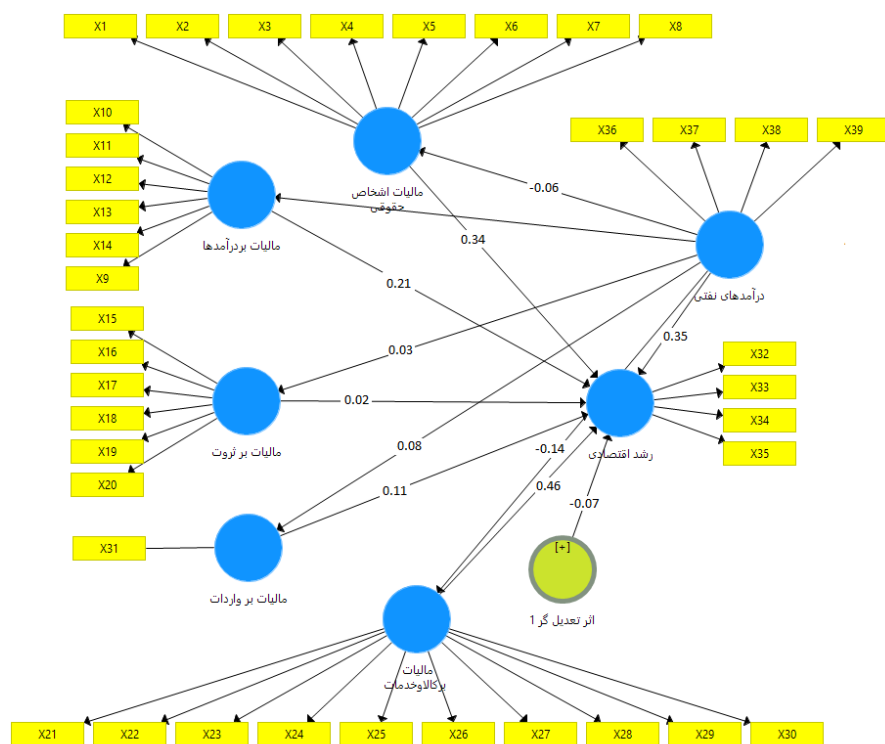
$$Y = \beta_1 TAX FIRM + \beta_2 TAX I + \beta_3 TAX W + \beta_4 TAX M + \beta_5 TAX VA + \beta_6 TR OIL + \beta_7 TR OIL f(TAX FIRM, TAX I, TAX W, TAX M, TAX VA)$$

در ادامه اقدام به برآورد مدل نمودیم:



نمودار شماره ۶: رابطه بین رشد اقتصادی و درآمدهای مالیاتی بدون لحاظ نمودن درآمدهای نفتی

بر اساس نتایج مدل شماره ۶، درآمد مالیات ناشی از ارزش افزوده بیش از سایر مالیات‌ها بر رشد اقتصادی مؤثر است. در نتیجه جایگزینی میان مالیات بر ارزش افزوده با مالیات بر سود شرکت‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد.



نمودار شماره ۷: رابطه بین رشد اقتصادی و درآمدهای مالیاتی با لحاظ نمودن درآمدهای نفتی

با ورود متغیر درآمدهای نفتی به مدل مشاهده می گردد، اثرات تمامی انواع مالیات بر رشد اقتصادی کاهش یافته است. این کاهش در مالیات بر ارزش افزوده محسوس تر از سایر مالیات ها است؛ همچنین بر اساس نتایج مشاهده می شود درآمدهای نفتی بر انواع مالیات به جز مالیات بر ثروت و مالیات بر واردات تأثیر منفی دارد و موجب کاهش تأثیر آن می گردد. بر اساس نتایج درآمدهای نفتی به اندازه ۰/۳۵ بر رشد اقتصادی تأثیر دارد اما اثر تعدیل کننده آن (دایره رنگ سبز) برابر با ۰/۰۷- درصد بوده و از طریق کاهش درآمدهای مالیاتی موجب کاهش رشد اقتصادی می گردد. در ادامه پس از برآورد مدل نیاز است که اعتبار مدل برآوردی مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه نتایج شاخص های نیکویی برازش مدل ارائه شده است.

از نیکویی برازش برای سنجش شباهت میان منحنی‌های تجربی و منحنی‌های نظری استفاده می‌شود. بر اساس نتایج در الگوریتم‌های PLS بر اساس شاخص بنتلر و بونتو ضرایب تبیین و تبیین اصلاح شده مدل نهایی در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

جدول شماره ۵: شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص	مدل اشباع	مدل برآورد شده
SRMR	۰.۰۴۳	۰.۰۵۳
GFI	۰.۸۹۷۱	۰.۸۵۷۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس جدول فوق شاخص GFI مدل در وضعیت مطلوبی است؛ شاخص برازش هنجار شده بر اساس تبدیل مقیاس کای دو ساخته شده و مقدار آن بین ۰ و ۱ تغییر می‌کند. با توجه به مقدار این شاخص می‌توان بیان داشت مدل حاضر دارای میزان آماره GFI حدوداً ۹۰ درصدی است که دارای مقدار قابل قبولی جهت پذیرش نتایج مدل است. دامنه قابل قبول برای شاخص SRMR نیز در حدود ۸ درصد و پایین‌تر از آن است که از لحاظ این شاخص نیست مدل در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

۵. جمع‌بندی و پیشنهادها

نتایج تحقیق بیانگر این واقعیت است که با ورود درآمدهای نفتی به مدل از اثرگذاری درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی کاسته شده و نقش مالیات در ایجاد رشد و توسعه اقتصادی کاهش یافته است. اثر تعدیل‌کننده درآمدهای نفتی برابر با $-۰/۰۷$ درصد است که از طریق کاهش درآمدهای مالیاتی موجب کاهش رشد اقتصادی می‌گردد.

با توجه به تأثیر منفی درآمدهای نفتی بر مالیات بر ارزش افزوده این نتیجه حاصل می‌گردد عمده درآمدهای نفتی صرف کالاهای وارداتی می‌شود که این امر با تضعیف تولید داخلی و کاهش سهم تولید داخلی منجر به کاهش درآمدهای مالیات بر ارزش افزوده می‌شود. به عبارتی

کنترل درآمدهای نفتی به بازار و استفاده آن‌ها در طرح‌های عمرانی و زیرساخت‌ها در بلندمدت می‌تواند وضعیت‌های درآمدهای ناشی از مالیات بر ارزش افزوده را افزایش دهد.

با توجه به تأثیر منفی درآمدهای نفتی بر مالیات بر ارزش افزوده جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده به جای مالیات بر سود شرکت‌ها موجب بهبود وضعیت بنگاه‌های تولید می‌شود چراکه این نوع مالیات موجبات بهبود عدالت و کارایی مالیاتی را ارتقا می‌دهند. چراکه این نوع مالیات به ماهیت عامل تولید مرتبط نبوده و به میزانی ارزشی که در فرآیند تولید توسط هر یک از عوامل تولید توجه دارد. با بهبود وضعیت بنگاه‌های تولیدی جایگاه مالیات بر ارزش افزوده در میان سایر عوامل تأمین‌کننده درآمدهای دولت بهبود می‌یابد.

کاهش رانت ناشی از نفت و سطح تحصیلداری دولت با گسترش دولت الکترونیک در اقتصاد موجب بهبود فرآیند اثرگذاری درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی می‌گردد.

با توجه به تأثیر منفی درآمدهای نفتی بر مالیات بر سود شرکت‌ها این نتیجه حاصل می‌گردد ورود درآمدهای نفتی موجب بدتر شدن شاخص‌های فضای کسب و کار می‌شود. در نتیجه بهبود سیاست‌های فضای کسب و کار می‌تواند در انتقال مکانسیم اثرگذاری درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی مؤثر باشد.

منابع

- بابایی، قاسم (۱۳۹۰)؛ بررسی ارتباط میان پنج متغیر کلان اقتصادی و درآمدهای نفتی در سه کشور نفتی به صورت جداگانه در ایران، نروژ و ونزوئلا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- چیت‌ساز، مونا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین درآمدهای نفتی و درآمدهای مالیاتی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا
- صفاریان، حمیدرضا (۱۳۹۰). بررسی کانال‌های اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- خاتمی، طیبه (۱۳۸۸). تعیین مسیر بهینه مالیات در جهت کاهش وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا.
- شمس‌الدینی، مصطفی (۱۳۹۱). بررسی عوامل تأثیرگذار بر افزایش درآمدهای مالیاتی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- صاحب‌هنر، الهام (۱۳۹۱). بررسی اثر افزایش درآمد نفتی بر توزیع درآمد در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- صامتی، مجید، محمدی، وحید، مظفری شمسی، هاجر، اسعدی، فریدون (۱۳۹۸)، بررسی رابطه پویای ساختار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران با تأکید بر نااطمینانی، *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۸، شماره ۳۲ صفحه ۱۶۱-۱۹۳
- طاهری، طیبه (۱۳۹۵). رابطه میان ترکیب درآمدهای دولت و درآمد نفتی در کشورهای صادرکننده نفت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عباسیان، عزت‌اله و خاتمی، طیبه (۱۳۹۱)، تعیین مسیر بهینه مالیات‌ها در جهت کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی، *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، دوره ۹، شماره ۱
- معیدفر سعید (۱۳۹۰)، آزمون نظریه نفرین منابع با رویکرد تحلیل تطبیقی بین کشوری، *مسائل اجتماعی ایران*، سال دوم، شماره ۲

مهرآرا، محسن (۱۳۹۰)؛ تفسیری از فرضیه نفرین منابع در کشورهای صادرکننده نفت: تکانه‌های مثبت نفتی، از چه سطح آستانه‌ای برای رشد اقتصادی، مضراست؟ فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال هشتم، شماره ۲۸

- Abdullah, S., & Morley, B. (2014). Environmental taxes and economic growth: Evidence from panel causality tests. *Energy Economics*, 42, 27-33. <https://doi.org/10.1016/j.eneco.2013.11.013>.
- Acosta-Ormaechea, S., and J. Yoo, 2012, Tax Composition and Economic Growth, IMF
- Adkisson, R. V., & Mohammed, M. (2014). Tax structure and state economic growth during the Great Recession. *The Social Science Journal*, 51(1), 79-89. <https://doi.org/10.1016/j.soscij.2013.10.009>.
- Arellano, M. and S. Bond, 1991, Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations, *The Review of Economic Studies*, 58, pp. 277-297
- Arnold, J., B. Brys, C. Heady, A. Johansson, C. Schweltnus, and L. Vartia, 2011, Tax Policy for Economic Recovery and Growth, *Economic Journal*, Vol.111, pp. 59-80.
- Atems, B. (2015). Another look at tax policy and state economic growth: The long-run and short-run of it. *Economics Letters*, 127, 64-67. <https://doi.org/10.1016/j.econlet.2014.12.035>.
- Baltagi, B., 2008, *Econometric Analysis of Panel Data*, Wiley, 4th Edition.
- Benedek, D., E. Crivelli, S. Gupta, and P. Muthoora, 2013, Foreign aid and revenue: Still a
- Bergman, M., 2002, Who pays for social policy? A study on taxes and trust, *Journal of Social Policy* 31 (2), pp. 289-305.
- Blundell, R., and S. Bond, 1998, Initial Conditions and Moment Restrictions in Dynamic Panel Data Models, *Journal of Econometrics*, 87, pp. 115-43.
- Bornhost, F., S. Gupta, and J. Thornton, 2009, Natural Resource Endowments and the Domestic Revenue Effort, *European Journal of Political Economy*, Elsevier, Vol. 25(4), pp. 439-46, December
- Brown, D. C., Cederburg, S., & O'Doherty, M. S. (2017). Tax uncertainty and retirement savings diversification. *Journal of Financial Economics*, 126(3), 689-712. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2017.10.001>. <https://www.cbi.ir>
- Chaudhry, K., 1997, *The Price of Wealth: Economies and Institutions in the Middle East*, Cornell University Press, Ithaca.
- Chow, C., 1960, Tests of Equality Between Sets of Coefficients in Two Linear Regressions, *Econometrica*, 28, pp. 591-605.
- Collier, P., 2006, Is aid oil? An analysis of whether Africa can absorb more aid, *World Development* 34, pp. 1482-97.
- Crandall, W., and J. Bodin, 2005, Revenue Administration Reform in Middle Eastern Countries, 1994-2004, IMF Working Paper 05/203 (Washington: International Monetary Fund).

- Crivelli, E., 2013, Fiscal impact of privatization revisited: The role of tax revenues in transition economies, *Economic Systems* 37, 217-32.
- Davis, G., and J. Tilton, 2005, The resource curse, *Natural Resources Forum* 29, pp. 233- 42.
- Freire-Serén, M. J., & i Martí, J. P. (2013). Tax avoidance, human capital accumulation and economic growth. *Economic Modelling*, 30, 22-29. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2012.08.021>.
- Gupta, S and S. Tareq, 2008, Mobilizing Revenue, *Finance and Development*, Vol. 45, Issue 3 (Washington: International Monetary Fund)
- Johansson, A., Heady, C., Arnold, J., Brys, B., & Vartia, L. (2008). Tax and Economic Growth-Working Paper No. 620. www.oecd.org/eco/working_papers.
- Karimi, M., Kaliappan, S. R., Ismail, N. W., & Hamzah, H. Z. (2016). The Impact of Trade Liberalization on Tax Structure in Developing Countries. *Procedia Economics and Finance*, 36, 274-282. [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(16\)30038-7](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(16)30038-7).
- Lee, J., & Xu, J. (2019). Tax uncertainty and business activity. *Journal of Economic Dynamics and Control*, 103, 158-184. <https://doi.org/10.1016/j.jedc.2018.09.013>.
- Lee, Y., & Gordon, R. H. (2005). Tax structure and economic growth. *Journal of public economics*, 89(5-6), 1027-1043. <https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2004.07.002>.
- McGuirk, E., 2013, The illusory leader: natural resources, taxation and accountability, *Public Choice* 154, pp. 285-313
- Moore, M., 2007, How does taxation affect the quality of governance, *IDS Working Paper* 280, Brighton, UK.
- Ojede, A., & Yamarik, S. (2012). Tax policy and state economic growth: The long-run and short-run of it. *Economics Letters*, 116(2), 161-165. <https://doi.org/10.1016/j.econlet.2012.02.023>.
- Pessino, C. and R. Fenochietto, 2010, Determining Countries' Tax Effort, *Hacienda Pública Española/Revista de Economía Pública*, Vol. 195, No. 4, pp. 65–87.
- Stoilova, D. (2017). Tax structure and economic growth: Evidence from the European Union. *Contaduría y Administración*, 62(3), 1041-1057. <https://doi.org/10.1016/j.cya.2017.04.006>.
- Thomas, A., and J. Treviño, 2013, Resource Dependence and Fiscal Effort in Sub-Saharan Africa, *IMF Working Paper* 13/188 Washing Working Paper 12/257, (Washington: International Monetary Fund).
- Yang, Z. (2016). Tax reform, fiscal decentralization, and regional economic growth: New evidence from China. *Economic Modelling*, 59, 520-528. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2016.07.020>.

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی

[Downloaded from qjfeq.ir on 2024-11-22]

[DOR: 20.1001.1.23453435.1399.8.32.2.4]

[DOI: 10.52547/qjfeq.8.32.133]